

چندی پیش رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمان از آغاز کاوش‌های دوباره در منطقه باستانی جیرفت خبر داد. هرچند کاوش‌های باستانی در این منطقه نزدیک به یک دهه پیش آغاز شده، اما نزدیک به 3 سال است که گروه قبلی، برکنار و خبری از ادامه کار در این منطقه نیست.

قدرت گرفته از پرتال شمس - ITShams.ir

در ادامه حفريات در سال‌هاي بعد کشف مهمي باعث شد تا دنيا نگاهی تازه به تمدن و تاريخ اوليه بشر داشته باشد. نگاهی که جنوب شرق ايران را به عنوان کهن‌ترين تمدن شرق مطرح مي‌کرد. باستان‌شناسان مشغول فعاليت بودند که ناگاه با لوحی روبه‌رو شدند که روی آن خطوطی نگاشته شده بود. کشف خط برای نخستين بار در جنوب شرق ايران که از لحاظ زماني با خط سومري به تاريخ 2600 ق. م تقريباً يکي بود. همين اتفاق مهم بود که توجه بسياری از باستان‌شناسان را به خود جلب کرد.

مجيدزاده معتقد بود مدارك خطي به دست آمده از جیرفت 400 تا 500 سال قديمي‌تر از خط لوح کوتيرائينشوشيناك است. وی در يکي از مصاحبه‌هاي خود در اين باره مي‌گويد: درباره اين منطقه کار چنداني انجام نداده‌ايم. 5 سال کار در مقابل 100 سال کار در بين‌النهرين و خوزستان چيزي نيست. در خوزستان فرانسوي‌ها با 2 هزار کارگر کار مي‌کردند، درحالي‌که اينجا کارگرها در نهايت 200 نفر بودند.

از نظر مجيدزاده ايران تحت نفوذ خط عيلامي نبوده و با توجه به فراواني الواح پرتو عيلامي در مکان‌هاي باستاني ايران و مقايسه عددي آنها با مناطقي مانند شوش مي‌توان نام خط پرتو ايراني را روي آن گذاشت، زيرا عيلام خود متأثر از بين‌النهرين بوده و چگونه مي‌توانسته خط را به مناطق ديگر صادر کند. از لحاظ نگاه باستانی فرهنگ ايران از نظر سفال و معماري هيچ شباهتي به عيلامي ندارد.

مطرح کردن اين مطلب که جنوب شرق ايران که تا پيش از اين فرض بر بي‌سواد بودن ساکنان آن مي‌رفت داراي خط منحصر به خود باشد و شايد قديمي‌ترين خط کشف شده در دنيا کار آساني نيست، اما سرپرست هيات کاوش در جیرفت، مجيدزاده معتقد است جیرفت در هزاره سوم پيش از ميلاد مرکز تمدن بزرگي بوده که 400 كيلومتر وسعت داشته است. اگر تا پيش از اين خط ميخي و خط هيرولگيف يا نوشتاري به‌عنوان اولين خطوط کشف شده در دنيا مطرح مي‌شد با کشف الواح گلي در جیرفت ما با خطي که داراي اشکال هندسي است، مواجه هستيم که تاريخ آن بسيار قديمي‌تر از 2 خط ديگر است، بنابراين شکی نيست اين خط جديد که هنوز رمزگشايي نشده قديمي‌تر از خطوط کشف شده در دنيا باشد و مي‌توان به جرات اين فرضيه را مطرح کرد که خط و تمدن از ايران به بين‌النهرين و ديگر نقاط جهان رفته است.

لابه‌لای اوراق باستانی

اسناد سومري به ما مي‌گويد آنان (سومري‌ها) از جايي در خاور ايران به نام آراتا به ميان رودان و باختر ايران رفته‌اند. در گذشته ايلام باستان سرزمين‌هاي خوزستان، فارس و بخش‌هايي از استان‌هاي کرمان و لرستان و کردستان را در برمي‌گرفته و مي‌توان گفت آراتا در همسايگي انشان که خود يکي از ايالت‌هاي مهم ايلامي بوده قرار داشته است. همان‌گونه که در گذشته بين‌النهرين متشکل از دولت‌شهرهاي بزرگي با نام‌هاي اروک، نيبور، لاگاش، اور، لارسا بوده در خاور ايران نيز دولت شهرهاي کاملاً مستقل ولي در ارتباط تنگاتنگ و متأثر از يکديگر بوده‌اند که در حال حاضر با آنها مواجه هستيم با نام تپه يحيي، شهرسوخته، جیرفت، شهداد، تل ابليس، اسپيد دژ در سيستان همگي مربوط به هزاره سوم و چهارم پيش از ميلاد و در يك زمان فرهنگي داراي شکوفايي و قدرت بوده‌اند. در بررسی‌هاي منطقه‌اي انجام شده مواد فرهنگي به دست آمده در مناطق همجوار مانند مهرها و سنگ‌هاي نيمه قيمتي که به عنوان تزئينات روي ظروف سنگي جیرفت به کار برده مي‌شده از منطقه شهرسوخته در سيستان تامين شده است؛ بخصوص استفاده از لاجورد، فيروزه و عقيق که نمونه‌هاي يافت شده ابزار کار صنعتگران از قبور در شهرسوخته مانند اره، تراشه و نوک مته همگي حاکي از ارتباط تنگاتنگ اين مناطق و مراودات بازرگاني و فرهنگي آنها با يکديگر و سرزمين‌هاي ديگر است. همچنين بعضي از اشيائي به دست آمده از گورهاي سومري‌ها که نمونه آنها در گورهاي جیرفت و شهرسوخته وجود دارد از نظر کيفيت و کميت قابل مقايسه هستند. فراواني اشيائي نام برده شده و کيفيت صنعت به کار برده شده روي اشيا در جیرفت و شهرسوخته سند محکمي است که مواد فرهنگي به دست آمده از گورهاي شاهي سومريان همان اشيائي ساخته شده در جیرفت و شهرسوخته است که از اين مناطق و توسط صنعتگران آرتا به بين‌النهرين صادر مي‌شده است. جالب اين که در مقايسه اشيائي پيدا شده در گورهاي شاهي در اور با اشيائي به دست آمده از گورهاي مردمان عادي جیرفت و شهرسوخته نشان مي‌دهد ساکنان باستاني جنوب شرق ايران در تمدن، رفاه و پيشرفت از سومريان پيشرفته‌تر بوده‌اند.

نکته: جیرفت چشم‌انداز شگرف و زيبايي از تمدن‌هاي حياتي مفقود شده است که تمدن‌هاي بزرگ ديگر در جهان را به يکديگر متصل مي‌کند

ساکنان جنوب شرق ايران علاوه بر موارد بالا به دانش ذوب فلز و ترکيب آلياژهاي مختلف آشنائي کامل داشتند. در يکي از کارگاه‌هاي کاوش در کنار صندل جنوبي حدوداً 8 کوره ذوب فلز که البته بعضي از آنها به خاطر اين‌که در بعضي زمان‌ها سطح آب هليلرود بالا بوده و در معرض رطوبت قرار گرفته‌اند تخریب شده بودند، اما به دست آمدن اشيائي مفرغي و قالب‌هاي ذوب فلز و همچنين شمار زيادي جوش کوره نشان‌دهنده فعاليت صنعتي و آشنائي با دانش فلزگري در اين منطقه است.

معماري جيرفت در کنار صندل جنوبي به 2 بخش معماري حاكم نشين و معماري مردمان عادي يا خانه هاي شخصي تقسيم مي شود كه به گفته دكتر مجيدزاده تا به امروز 4 لايه معماري در کنار صندل جنوبي شناسايي شده كه سكوي خشتي با خشت هايي به ابعاد 60 در 30 سانتيمتر و حصار دور سكو از فضاهاي معماري بخش حاكم نشين است كه البته از نظر دكتر مجيدزاده اين سازه معماري بناي دژ مانندي است كه محل حكومت فرمانروايي شهر بوده است، اما نوع معماري در بخش خانه هاي شخصي و پيرامون دژ با ابعاد خشت هاي كوچك تر 36 در 18 متر و شامل فضاهاي معماري مثل اتاق و انباري با ميانگين ابعاد 2 در 5/2 متر است. در بعضي از فضاهاي معماري علاوه بر مواد فرهنگي مثل جامه پايه دار، كاسه ها، پياله ها، كوزه ها و... اجاق و تنور نيز به دست آمده است.

كشوف مجسمه اي در يكي از اتاق هاي دژ کنار صندل جنوبي از نظر حالت قرار گرفتن دست ها روي شكم قابل بررسي است زيرا به گفته دكتر مجيدزاده در مجسمه هاي سومري دست ها جلوي سينه قرار مي گيرند و نمونه اين حالت در جايي ديده نشده است. معماري در کنار صندل شمالي نشان دهنده سكوي پله اي زيگورات مانندي است كه 2 طبقه از آن يكي به ابعاد 300 در 300 متر و طبقه دوم به ابعاد 150 متر در 150 متر شناسايي و حفاري شده است و باز هم در مقايسه اي با بين النهرين قديمي ترين زيگورات شناخته شده مربوط به پادشاه اور سوم به حدود 2100 پيش از ميلاد باز مي گردد و مي توان باز هم نتيجه گرفت كه اين سازه عظيم خشتي كه نمونه شكل كامل اين بنا روي ظرفي به دست آمده از کنار صندل با تزئينات كنگره دار ديده شده قديمي تر از زيگورات هاي شناخته شده در دنياست.

شكوه و عظمت جيرفت و مناطق همجوار آن تنها به هزاره سوم محدود نمي شود. با مطالعه و كاوش هاي ديگري كه در منطقه صورت گرفته مي توان به جاگاه والاي فرهنگي و تمدني اين ناحيه در شرق باستان پي برد. به عنوان مثال تحقيقاتي كه دكتر حميده چوبك در شهر قديم جيرفت (دقيانوس) انجام داده نشان دهنده اهميت جيرفت در دوره اسلامي و سلجوقي است.

كلانشهر باستاني

شهر قديم جيرفت تمام خصوصيات يك كلانشهر را دارا بوده است. معماري شهر متشكل از آجر و خشت است كه امروزه با ورود به شهر قديم جيرفت تكه هاي آجر فراوان و قلوه سنگ هاي رودخانه اي كه به صورت پراكنده هستند را بر سطح محوطه مي بينيد. براي تامين پخت اين آجرها نياز به منابع چوب بوده است كه خود دليل وجود جنگل و سرسبزي منطقه است. شهر قديم جيرفت داراي اتاق ها، انباري ها، حمام، بازار و همچنين مسجد جامع بزرگي بوده است. به دليل رطوبت منطقه در ازاره از آجر و در سقف از خشت براي تعادل دمائي اتاق استفاده مي شده است. يكي از كارگاه هاي كاوش در دقيانوس بخشي از يك گرمابه بزرگ است كه داراي مخازن آب، اتاق هاي شستشو با اندود ساروج است. يكي از نكات قابل تامل در اين منطقه مراودات فرهنگي و بازرگاني مردمان ساكن جيرفت با كشور چين در دوره تانگ و سونگ است زيرا در ميان يافته هاي باستان شناسي به دست آمده از اين منطقه سفال هاي ساخت چين به چشم مي خورد كه اين كالاها از طريق ميناب كهن از راه دريا به جيرفت وارد شده و به سراسر ايران پخش مي شده است. همچنين از ديگر موارد مهمي كه در مورد شهر قديم جيرفت مي توان نام برد خط نوشته هاي زيباي روي سفالينه هاست كه گويايي حضور ادب و فرهنگ در جامعه بوده و نشان دهنده مراكز آموزشي و هنري در اين دوران است. به هر حال گويا اين كلانشهر زيبا بر اثر حمله غزها در سال 570 هجري براي هميشه متروك مي شود.

حل معماي جيرفت

حال بايد پرسيد با تمام كاوش ها و بررسي هايي كه در اين منطقه صورت گرفته آيا معماي جيرفت حل شده است؟ متاسفانه نزديك به 3 سال است كه ديگر بررسي ها و كاوش ها به صورت مستمر در منطقه انجام نمي گيرد. با توجه به اهميت كرمان و جيرفت و وفور محوطه ها و سايت هاي باستان شناسي كه جيرفت را به نام بهشت باستان شناسان در دنيا مطرح مي كنند، با ادامه حفاري ها در منطقه و اهميت مسوولان ميراث فرهنگي مي توان جواب بسياري از معادلات مجهول در باستان شناسي را به دست آورد. به گفته دكتر حسن فاضلي - رئيس پيشين پژوهشگاه باستان شناسي ايران - گرچه پژوهش هاي باستان شناسي در سال هاي اخير منجر به شناسايي برخي از زواياي تاريخ تحولات فرهنگي ساكنان ايران در هزاره هاي پيش از تاريخ شده است، ولي هنوز دقيقا نمي دانيم كه ما ايرانيان در شكل گيري نخستين جوامع پيچيده در آسياي غربي به چه شكل سهيم بوده ايم. آيا ايران در هزاره سوم قبل از ميلاد به طور تمام عيار وارد دوره شهرنشيني شده است يا اين كه ساكنان آن بيشتر نوعي از نظام هاي خان سالار را بنيان نهاده اند؟

به گفته پروفيسور هالي پيتمن آمريكايي كه چند باري در كاوش هاي جيرفت شركت داشته، كار در اين منطقه به نوعي سفر به نقطه آغازين تمدن بشري به شمار مي آيد كه در طول فصل هاي آينده با كار روي آن مي توان پاسخ بسياري از پرسش ها و معماهاي مطرح شده را پيدا كرد.

سپيده ميرحسيني / جام جم